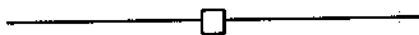


لونیزامی آلكوت

زنان كوچك



مترجم

شهین دخت رئیس زاده



تهران ۱۳۸۸

سرشناسه	: آلکوت، لویزا می، ۱۸۲۲ - ۱۸۸۸ م.
هنوان و نام‌پدیدآور:	زنان کوچک / لویزا می آلکوت؛ مترجم: شهین دخت رئیس‌زاده.
مشخصات نشر	: تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۲.
مشخصات ظاهری	: ۲۷۷ ص.
شابک	: ۹۷۸-۹۰۰-۱۲۱-۰۵۳-۲
یادداشت	: عنوان اصلی: Little Women
یادداشت	: چاپ پنجم: ۱۳۸۸ (فیبیا).
موضوع	: داستان‌های آمریکایی -- قرن ۱۹ م.
شناسه‌افزوده	: رئیس‌زاده، شهین دخت، ۱۳۲۵ - مترجم.
شناسه‌افزوده	: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی
رده‌بندی کنگره	: ۱۳۷۲ ز ۹ / PSI۰۳۷
رده‌بندی دیویی	: ۸۱۳/۴
شماره کتابشناسی ملی	: ۳۶۶۰-۷۲ م *

### زنان کوچک

نویسنده: لویزا می آلکوت

مترجم: شهین دخت رئیس‌زاده

چاپ نخست: ۱۳۵۹

چاپ پنجم: ۱۳۸۸؛ شمارگان: ۲۰۰۰ نسخه

حروفچینی و آماده‌سازی: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی

لیتوگرافی: مینا؛ چاپ و صحافی: ممتاز

حق چاپ محفوظ است.



### شرکت انتشارات علمی و فرهنگی

- اداره مرکزی: خیابان افریقا، چهارراه حقانی (جهان کودک)، کوچه کمان، پلاک ۱۲۵
- کدپستی: ۱۵۱۸۷۳۶۳۱۳؛ صندوق پستی: ۱۵۸۷۵۹۶۲۷؛ تلفن: ۱۵۸۷۲۵۶۹۷۰؛ کس: ۸۸۷۲۵۷۲
- آدرس اینترنتی: [www.elmifarhang.ir](http://www.elmifarhang.ir) info@elmifarhang.ir
- مرکز بخش: شرکت بازرگانی کتاب گستر، خیابان افریقا، بین بلوار ناهید و گلشهر، کوچه کلفام، پلاک ۱۷۲؛ کدپستی: ۱۹۱۵۶۷۳۲۸۳؛ تلفن: ۳۳-۲۲۰۲۴۱۴۰؛ تلفکس: ۲۲۰۵۰۳۲۶
- آدرس اینترنتی: [www.Ketabgostar.com](http://www.Ketabgostar.com) info@ketabgostar.com
- فروشگاه پک: خیابان انقلاب، روبه‌روی در اصلی دانشگاه تهران؛ تلفن: ۶۶۴۰۰۷۸۶

## فهرست

مقدمه مترجم.....	هفت
فصل اول: مسافران کوچک.....	۱
فصل دوم: یک کریسمس شاد.....	۲۳
فصل سوم: لارنس پسر.....	۳۳
فصل چهارم: باز مسئولیت‌ها.....	۵۵
فصل پنجم: همسایهٔ مهربان.....	۷۹
فصل ششم: بت به قصر زیبا دست می‌یابد.....	۱۰۳
فصل هفتم: مورد تحقیر قرار گرفتن ایمی.....	۱۱۷
فصل هشتم: جو «شیطان» را ملاقات می‌کند.....	۱۳۱
فصل نهم: مگ به «بازار فخر فروشی» می‌رود.....	۱۵۵
فصل دهم: مشغولیات خانگی.....	۱۸۹
فصل یازدهم: چند تجربه.....	۲۰۵
فصل دوازدهم: اردوی لارنس.....	۲۲۹

- فصل سیزدهم: قصرهای خیالی..... ۲۶۷
- فصل چهاردهم: اسرار..... ۲۸۷
- فصل پانزدهم: یک تلگرام..... ۳۰۷
- فصل شانزدهم: نامه‌ها..... ۳۲۵
- فصل هفدهم: باوفای کوچک..... ۳۴۱
- فصل هیجدهم: روزهای سیاه..... ۳۵۵
- فصل نوزدهم: وصیت‌نامه ایمی..... ۳۷۱
- فصل بیستم: محرمانه..... ۳۸۹
- فصل بیست و یکم: لاری شیطنت می‌کند و جو آشتی می‌دهد..... ۴۰۳
- فصل بیست و دوم: چمنزارهای باصفا..... ۴۲۷
- فصل بیست و سوم: عمه مارچ جواب سؤال را به دست می‌دهد..... ۴۴۱

### مقدمه مترجم

داستان زنان کوچک یکی از داستان‌های دوست‌داشتنی مربوط به نسل جوان است که تاکنون نگاشته شده و خالق آن لوئیزا می‌آلکوت (۱۸۳۲-۸۸) است. این رمان نخست در دو بخش مجزا نوشته شد. بخش اول با عنوان زنان کوچک در ۱۸۶۸ و بخش دوم با نام همسران خوب در ۱۸۶۹ منتشر گردید. بعدها این دو بخش در یک جلد انتشار یافت. داستان عمدتاً بر خاطرات کودکی نویسنده دور می‌زند و در آن زندگی روزانه چهار خواهر به نام‌های جو، مگ، بت و ایمی از خانواده‌ای اهل نیوانگلند تصویر شده و زمان وقوع حوادث نیز میانه قرن نوزدهم است. مادر خانواده زنی بردبار و فارغ از خویش است و پدر مردی که درگیر و در جنگ داخلی امریکا کشیش ارتش است.

کتاب تصویرگر تلاش و سختکوشی این خواهران برای افزودن درآمد ناچیز خانواده در بحبوحه جنگ و نابسامانی‌های اقتصادی و اجتماعی است. جو که روحیه‌ای مستقل و عرف‌ستیز دارد درصدد است

می‌سازد. زنی که چون پدر، آرمان را تنها تبلیغ نمی‌کند بلکه می‌زید و همواره از خدا می‌خواهد هر روزش را با واژگان عشق و کردار عاشقانه لبریز سازد.

در ۱۸۶۰ آلكوت اثری درونگرایانه به نام خلیقات نگاشت که پس از انتشار با اقبال روبه‌رو نشد. این تجربه به او آموخت که خوانندگان روز، رئالیسم را به رمانتیسیم ترجیح می‌دهند و واقعیت را بهتر از اندیشه‌های انتزاعی درک می‌کنند. لذا در زنان کوچک که آن را با اشتیاقی کمتر آفرید، در واقع معیارهای شخصی خویش را کنار گذاشت و به ملاحظات اقتصادی و ترغیب خانواده و ناشران، پسند خواننده را عمدتاً اصل کار خود قسار داد و زندگی ساده خود و خانواده‌اش را با اجتناب از احساساتی‌گری ترسیم نمود. البته او در این آفرینش از ذکر بسیاری از مرارت‌های خانوادگی پرهیز کرد و تصویر او بیشتر تصویری آرمانی و خیال‌پردازانه است تا واقعیت خشن و گاه بی‌رحم. از این روست که می‌بینیم پدر غالباً از صحنه رویدادهای داستان حذف شده و همبستگی زنان خانواده این‌گونه درخشش بیشتری یافته است.

اما آنچه ما را به بحث و تناقض درونی نویسنده باز می‌گرداند، وجود شواهدی در رمان است که دیدگاه راستین نویسنده را از پس ظاهر قابل قبول رمان فاش می‌سازد. به عنوان مثال همین غیاب پدر، در واقع تا حدی تنها ظاهری است. حضور او در پیروی کامل همسر و دخترانش از الگوی زنانگی مسیحی که او برای ایشان تعیین کرده، به خوبی محسوس است؛ سایه پدر در فرامینش در جای جای رمان حس می‌شود. از دید خانواده، جو دختری که گاه نافرمان است، باید به راه بیاید و به سرکشی نفس خود مسلط گردد. یا در بخش دوم رمان

می‌بینیم که مردان داستان (علاوه بر پدر خانواده) اکثراً نقشی منفعل دارند. می<sup>۱</sup> خواهر لوئیزا به هنگام زایمان نخستین فرزند می‌میرد و لوئیزا تلویحاً همسر او را مسئول مرگش قلمداد می‌کند. این سرنوشت غم‌انگیز که تقدیر واقعی خواهران لوئیزا بود نشان می‌دهد که در قطب‌بندی جنسیت، آلكوت نقش پویاتر را به زن بخشیده، لذا تعجب‌آور نیست که بدانیم آلكوت در تمام طول عمر از ازدواج سر باز زد و تنها در صدد یافتن استقلال مالی خود و خانواده‌اش برآمد. هر چند که این نقش با ایده‌آل جامعه از زن در ستیز بود.

یکی از ویژگی‌های آثار آلكوت، تأکید بر وابستگی‌های عاطفی شدید و قوی میان اعضای خانواده است. در زنان کوچک خواهران به شدت به یکدیگر نزدیک و همبسته‌اند و این عشق خواهرانه را در واقع می‌توان تمثیلی از آن تجزیه مشترک زن بودن دانست که از چنین عشقی نیرو می‌گیرد. این عشق مرهمی است بر جراحات مشترک روح تمامی زنان. به هر حال تصویر آرمانی آلكوت از زن در زنان کوچک، نه تنها به مذاق جامعه آن روز با عقاید اخلاق‌گرایانه و مذهبش ناگوار نیامد، بلکه چنان قشر وسیعی از زنان طبقات مختلف را به خود جذب کرد که چند نسل آن را به عنوان الگوی کمال‌یافته زن بودن سرمشق خود قرار دادند. اگرچه این تصویر با زن پراترزی، خلاق، فعال و سنت‌شکنی که آلكوت در درون خود به بند کشیده بود قرابت چندانی نداشت، اما دروازه شهرت و موفقیت را به روی وی گشود. در این بین، نقش آلكوت در بر پا کردن نهضت‌های مربوط به حقوق زنان نیز گسترده و فعال

گردید، به گونه‌ای که تلاش‌های او در کسب حق رأی برای زنان در تاریخ امریکا به یادماندنی است. روزهای آخر عمر آلکوت بیشتر در خلوت و انزوا می‌گذشت. هر چه شهرت اثر او افزون‌تر می‌شد، میل به دوری گزیدن از جمعی که معیارهایشان با معیارهای او همخوانی نداشت در وی قوی‌تر می‌گشت. او سرانجام توانست به رؤیای رفاه و آسایش که یک عمر برای مادر و خانواده‌اش آرزو می‌کرد در سایه تلاش و کار خستگی‌ناپذیر جامه عمل بپوشاند. آلکوت در ۶ مارس ۱۸۸۸، در روز مراسم خاکسپاری پدرش چشم از جهان فرو بست.

شهین دخت رئیس‌زاده

آبان ۸۴